



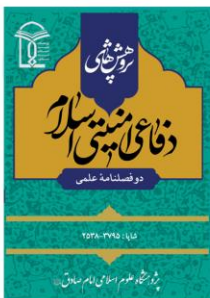
Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

ISSN:2538-3795

Website: <http://ids.isri.ac.ir>

Volume : 1 ; Number : 1



The Process of the Formation of the Culture of Jihad in the Comprehensive System of the Teachings of the Holy Quran

Hassan Kharaghani*, Hossein Shahbazpour**

Doi: <https://doi.org/10.22034/ids.2024.159071>

Received: 04/05/2024 - Accepted: 09/08/2024

(55-78)

Abstract

Culture is the unified system of human insights, beliefs, values and norms regarding basic rights of human beings which is accepted as the basis and the way of human's desired living; as unconsciously and unintentionally, it runs in all aspects of man's life; the outcome of culture is that man gains identity and it's manifestation can be seen in his actions in the course of history in the form of a system of knowledge storage.

Jihad, in Islamic discourse, is consistent and strong effort in developing Islam and the Islamic community as a result of self-awareness and having direction towards growth which sometimes manifests itself in the form of developing Islam and its teachings among nations and fighting oppressors and sometimes in the form of hardware or software in fighting the invasion of the enemy to the borders of the Islamic territory. The abundant emphasis of the verses of the holy Quran on this issue shows its importance. Formation of the culture of Jihad in different parts of the present time society is a necessity which ignoring it is considered as ignoring intellectual and natural principles and turning away from the holy religion of Islam; and specially that doing research on this issue is not taken seriously by Quran researchers.

The present article has tried to investigate and analyze the process of the formation of the culture of Jihad in the logic of the teachings of the holy Quran in its three stages of writing, i.e. explaining the concepts of "culture", "Jihad", and "the process of the Quranic culture of Jihad", using a methodological and consistent approach. Policy-making for each of the stages of this process in the society sets the ground for the formation of the value of Jihad. The present research is of basic-developmental kind. The unavoidable methodology of this issue is done through description, analysis, and consulting library and software sources.

Keywords: Culture, Jihad, Primary Jihad, Defensive Jihad, Dignity, Fighting oppression.

*. Professor of Quran and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran, h.kharaghani@gmail.com.

** PhD in Quran and Hadith sciences and researcher at Imam Sadiq Islamic Sciences Research Institute, Qom, Iran, (Corresponding Author), sh.quranpajoohi145@yahoo.com.



پژوهشگاه
علوم
اسلام
صادق

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق

پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی

ISSN:2338-3795

نشانی پانگه: <http://ids.isri.ac.ir>

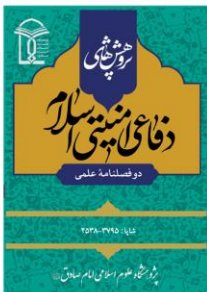
سال اول؛ شماره اول

فرایند شکل‌گیری فرهنگ «جهاد» در نظام جامع آموزه‌های قرآن کریم

حسن خرقانی*، حسین شاهبازپور**

شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/ids.2024.159071>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۸
(۷۸-۵۵)



چکیده

فرهنگ، نظام وحدت‌یافته بینش‌ها، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای بشری ناظر به حقوق بنیادی انسان است که به‌عنوان مبنا و شیوه‌الگوی زیست‌مطلوب انسانی پذیرفته شده‌اند؛ برآیند فرهنگ، هویت‌یافتگی انسان است که نمود تاریخی آن در قالب یک نظام دانشی، به‌گونه‌ای نهادمند متبلور یافته است. جهاد در گفتمان اسلامی، کوشش پایدار و مقاوم در جامعه اسلامی همراه با خودآگاهی معطوف به رشد است که گاه به صورت نشر آموزه‌های اسلام میان ملت‌ها و گاه برای مقابله با تهاجم دشمن به قلمرو مرزهای اسلامی، در قالب نرم‌افزار و سخت‌افزار نمود می‌یابد. شکل‌گیری فرهنگ جهاد در بخش‌های گوناگون جامعه امروز، ضرورتی است که انکار آن، انکار مبادی عقلی، فطری و پشت کردن به شرع مقدس به شمار می‌رود؛ پژوهش حاضر، کوشیده است با رویکردی روش‌مند و منسجم، فرایند شکل‌گیری فرهنگ جهاد در منطق آموزه‌های قرآنی را در سه مرحله نگارشی خود، یعنی، تبیین و تحلیل مفهوم «فرهنگ»، «جهاد» و «فرایند فرهنگ قرآنی جهاد»، بررسی و تحلیل نماید. سیاست‌گذاری برای هریک از مراحل این فرایند در جامعه، زمینه شکل‌گیری ارزش جهاد را فراهم می‌آورد. نوع تحقیق بنیادین - توسعه‌ای و روش‌شناسی از راه توصیف و تحلیل و با رجوع به منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری صورت می‌پذیرد.

واژگان کلیدی: فرهنگ، جهاد، جهاد ابتدایی، جهاد دفاعی، عزت نفس، ظلم‌ستیزی.

*. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم

اسلامی رضوی، مشهد، ایران،
h.kharaghani@gmail.com

** دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث و

پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام
صادق، قم، ایران، (نویسنده مسئول)،
sh.quranpajoohi145@yahoo.com

مقدمه

جهاد، مقوله‌ای است که نشان آن را در طول دوره‌های تاریخی، در تاخت‌وتاز میان قدرت‌مداران و مستضعفان جوامع و ملت‌ها، و به‌طور کلی میان حق‌جویان و باطل‌پویان عرصه تاریخ می‌توان یافت؛ نزاعی پیشینه‌دار که در یک‌سو، گروهی برای رسیدن به خواست‌های سلطه‌جویانه یا توسعه‌طلبانه، اقدام به پیش‌روی و حمله می‌کردند و گروهی دیگر برای دفاع از موجودیت، ارزش‌ها و ثروت‌های سرزمینی خویش به مقابله با طرف مهاجم برمی‌خاستند.

بر پایه عقیده برخی از اندیشمندان، اصل زندگی جمعی انسان، مقتضای طبع اوست؛ اما مؤلفه‌هایی چون: متمدن بودن، عدل‌خواهی، حق‌طلبی و...، از فطرت او سرچشمه می‌گیرد نه طبع وی (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴۴، ۴۵)؛ از این‌رو، او نیاز به حیات جمعی دارد. طبیعی است که وجود تمایل به رشد و پیشرفت در نهاد انسان، او را موجودی در جستجوی بهتر بودن و دستیابی به آن در تمامی زمینه‌ها قرار داده است؛ همین امر، باعث شکل‌گیری تزاخم حقوقی و درگیری‌های میان انسان‌ها گردیده است. مبتنی بر همین اصل اجتماعی، که انسان در برهه‌های گوناگون تاریخی، شاهد درگیری‌ها و جنگ‌ها بر سر تصاحب بیشتر یا به‌استخدام درآوردن بخشی از ملت‌ها و سرزمین‌ها، توسط برخی دیگر بوده است؛ بنابراین اصل تهاجم و در مقابل آن تدافع، همیشه میان طرفین نزاع برقرار بوده است.

برای رفع تزاخم‌ها و درگیری‌ها، بشر اقدام به تنظیم و تدوین قوانینی در ابعاد فردی و اجتماعی نمود که در پاره‌ای از موارد، کار تدوین این قوانین، توسط نخبگان جوامع و بر اساس ظرفیت‌های وجودی انسان، چون: حواس، نیروی تعقل و تجربه انجام می‌گرفت و در پاره‌ای دیگر، مبتنی بر اصول و آموزه‌های الهی، تنقیح می‌یافت.

آموزه جهاد نیز همواره در کنار دیگر آموزه‌ها، با تعیین حدود آن، به‌عنوان مقوله‌ای مهم در تعیین سرنوشت ملت‌ها و نظم و امنیت میان ملت‌ها مطرح بوده است.

هریک از مکاتب و تمدن‌های پیشین و کنونی، مبتنی بر جهان‌بینی و مبانی نظری و

ارزشی خود، ژست‌ها و باورهای ارزشی خاص خود را نسبت به مسئله جهاد داشته‌اند. آنچه در این میان در خور توجه است، دقت و تأمل در منشأ شکل‌گیری جنگ‌ها و خاستگاه نظری آن‌ها بوده است؛ به بیان دیگر، باید دید که مهاجمان در جنگ، مبتنی بر چه تفکری و خواست‌های نظری و ارزشی ویژه خود اقدام به هجوم می‌کنند و در مقابل، مدافعان بر پایه چه معیارهای معرفتی و ارزشی خاص، از خود، ملت و سرزمین خویش دفاع می‌کنند. در این میان، اسلام نیز به‌عنوان آخرین، جامع‌ترین و کامل‌ترین شریعت آسمانی، نگاه ارزشی ویژه‌ای به مسئله جهاد داشته و مبانی نظری درونزا و ویژه خود را برای آن تصویر می‌نماید تا مبتنی بر این مبانی، آموزه ارزشی جهاد را به مردم جامعه معرفی نماید. شکل‌گیری فرهنگ جهاد در جامعه، به معنای فراگیر آن در حوزه‌های گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است که باید در ردیف سیاست‌های کلان یک جامعه قرار گیرد؛ از این رو پرداختن به این مسئله و فرایند شکل‌گیری فرهنگ آن در زبان و ادبیات قرآنی، به‌عنوان الگویی کلان برای سیاست‌گذاری در متن نظام اجتماعی به‌ویژه در بعد نظامی، مهم و ضروری به‌نظر می‌رسد.

در همین راستا، پژوهش مقاله‌ای پیش‌رو، در سه سرفصل برجسته با عنوان‌های «تبیین و تحلیل مفهوم فرهنگ»، «تبیین و تحلیل مفهوم جهاد» و «فرایند فرهنگ قرآنی جهاد»، به کاوش مسئله مورد نظر در نظام جامع آموزه‌های قرآن کریم می‌پردازد. نوع تحقیق بنیادین - توسعه‌ای است. روش‌شناسی ناگزیر این مهم، از راه توصیف و تحلیل با رویکردی انتقادی و با رجوع به منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری صورت می‌پذیرد.

۱. تبیین و تحلیل مفهوم فرهنگ

فرهنگ (Culture / الثقافة)، واژه‌ای فارسی است که پیشینه‌ای بس طولانی دارد؛ این واژه در زبان فارسی، به‌عنوان یک واژه بسیط و نه ترکیبی، رساننده مفهوم «ادب»، «تربیت»، «معرفت»، «حکمت»، «هنر»، «عقل»، «دانش»، «بزرگی» (حسینی پور سی سخت، ۱۳۹۰: ۲۲؛ نفیسی، ۱۳۵۵: ذیل کلمه «فرهنگ»؛ شیرودی، ۱۳۸۶: ۱۷)، «مجموعه آداب و رسوم»، «مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم» (معین، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۷۴۵)،

«تعلیم و تربیت»، «فرهنگ» (علم و ادب و دانش) (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۱۷۱۳۲) و ... نیز بوده است. به باور برخی این واژه، از ریشه لاتینی «کالتورا» گرفته شده و در اصل به معنای «کاشتن»، «پروردن»، «آبادکردن»، «شکل منظم‌دادن» و «آراستن» است (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۰).

فرهنگ از جمله واژه‌ها و مفاهیم علوم اجتماعی و انسانی است، که با وجود کاربرد بسیار فراوان، اتفاق نظر چندانی بر سر تعریف آن وجود ندارد. پژوهش‌گران و نظریه‌پردازان، تعریف‌های متفاوتی از آن ارائه کرده‌اند که گاه در تضاد با یکدیگر قرار دارند؛ اما با وجود این، در تمامی این تعریف‌ها، مفاهیم «پرورش»، «عمل‌آوری» و «رشد» وجود دارد. در واقع، این جنبه از مفهوم فرهنگ است که به حوزه انسانی و اجتماعی راه یافته است. با گذشت زمان، مفهوم فرهنگ متحول شده و این واژه، کاربردهای گوناگون و متفاوتی پیدا کرده است. امروزه، معنای گسترده‌تر آن، معطوف است به هرآنچه انسان را از حیوان متمایز می‌کند. از این لحاظ، فرهنگ در مقابل طبیعت یا بیولوژی قرار می‌گیرد و معطوف است به هرآنچه که به صورت غیرژنتیکی منتقل می‌شود. در واقع رفتار فرهنگی، به صورت ژنتیکی منتقل نمی‌شود؛ بلکه بازتولید و انتقال آن، بر عهده جامعه است (حسینی پور سی سخت، ۱۳۹۰: ۱۶ و ۱۷).

در اینجا بر پایه تعریف‌ها و ویژگی‌هایی که تا کنون برای فرهنگ ارائه شده است، تعریفی برگزیده و فراگیر، برای پیش‌برد اهداف نوشتار پیش رو ارائه می‌گردد؛ براین اساس: «فرهنگ، نظام وحدت یافته بینش‌ها (توسلی، ۱۳۸۹: ۹۸)، شناخت‌ها، پندارها، گرایش‌ها، باورها (سعادت، ۱۳۸۹: ۳۷)، ارزش‌ها (همان: ۳۸) و هنجارهای بشری (رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۸۵)؛ ناظر به حقوق بنیادی انسان است (سلیمی، ۱۳۷۹: ۵۲)، که به‌عنوان مبنا و شیوه الگوی زیست مطلوب انسانی پذیرفته شده‌اند (موحد، ۱۳۷۸: ۱۲)؛ ریکارت سوتو، ۱۳۶۸، شماره ۱۴ و ۱۵: ۶۵)، به‌گونه‌ای که به صورت ناخودآگاه و غیرارادی، در همه عرصه‌های زندگی او جریان یافته (سعادت، ۱۳۸۹: ۴۱ - ۳۹) و نتیجه آن هویت‌یافتگی انسان است (آشوری، ۱۳۸۱: ۲۵) که نمود آن را در رفتارها، گفتارها، حالات، نمادها (حسینی پور سی سخت، ۱۳۹۰: ۲۸)، دستاوردهای علوم و فنون و فناوری‌های اجتماعی (همان: ۳۱) و

۳۲) او که در طول تاریخ، در قالب یک نظام ذخیره دانش (نولان و دیگران، ۱۳۸۰: ۶۹)، به گونه‌ای نهادین تحقق و سامان یافته‌اند، می‌توان مشاهده کرد).

با دقت و تأمل در این تعریف، می‌توان به سه مرحله اصیل فرهنگ در جریان شکل‌گیری فرایند آن در جامعه، در قالب محورهایی که در ادامه خواهند آمد، اشاره کرد:

الف) از بینش تا باور: این مرحله که شامل بینش‌ها، شناخت‌ها، گرایش‌ها و باورهاست، در واقع جهان‌بینی انسان را شکل می‌دهد که انسان به واسطه آن، خود، خداوند، جهان هستی، جامعه و تاریخ را مورد مطالعه قرار می‌دهد. انسان می‌تواند طی این جهان‌بینی، معرفت کسب کرده و در پی آن، به امری گرایش پیدا نموده و به آن معتقد شود. به‌طور کلی این مرحله، یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگ را شکل می‌دهد. از این‌رو برخی گفته‌اند: «عقاید و باورها یا جهان‌بینی، هسته مرکزی و اتاق فرمان هر فرهنگ محسوب می‌شود» (سعادت، ۱۳۸۹: ۳۷).

ب) زایش ارزش‌ها و هنجارها: ارزش‌ها، قراردادهای فرهنگی مشترکی هستند که درباره درستی و نادرستی کلیه فعالیت‌های زندگی، حکم صادر می‌کنند؛ یعنی، ارزش‌ها نوعی درجه‌بندی، طبقه‌بندی و امتیازبندی یک پدیده، از خوب تا بد یا از مثبت تا منفی هستند (سعادت، ۱۳۸۹: ۳۸). پس از باورها، ارزش‌ها مهم‌ترین عنصر فرهنگ به‌شمار می‌روند؛ چنان‌که «گی‌روشه»، ارزش‌ها را تشکیل دهنده اصلی، جوهره و خمیرمایه فرهنگ می‌داند. از نگاه «کلوهن» و «استرودبیک» در این پیوند: «ارزش‌ها، ثقل حیاتی وجود بشری را شکل می‌دهند. آن‌ها معیارهای فرهنگی ویژه‌ای هستند و توسط آن‌ها، عالی‌ترین انگیزه‌های زندگی و بلندترین آرزوها و باورهایمان را توضیح می‌دهیم» (نظرپور، ۱۳۷۸: ۷۰). در واقع ارزش‌ها، شاخص‌هایی هستند که بر اساس باورها، وارد زندگی فردی و اجتماعی انسان شده و ملاک درست زندگی کردن او به‌شمار می‌رود.

ج) اقدام، نمودیافتگی باورها و ارزش‌ها: این مرحله که در مؤلفه‌های گوناگونی مانند رفتارها، گفتارها، حالات آدمی، نمادها و ... نمود می‌یابد، در واقع بازتاب شناختی است که انسان آن را در گذر زمان، از راه جهان‌بینی خاصی کسب نموده، به آن معتقد گشته و آن را به‌صورت مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها، پذیرفته است؛ به بیان دیگر، هنگامی که انسان

نسبت به مسئله‌ای معرفت یافت و آن را باور کرد، نمود آن عقیده در رفتار یا گفتار یا حالات او، نشان از باور عمیق او نسبت به آن مسئله است. در ادامه با بررسی و تحلیل مفهوم جهاد، فرایند شکل‌گیری آن در جامعه در قالب الگویی از آموزه‌های قرآن کریم، مبتنی بر مراحل یادشده، بررسی و تحلیل می‌شود.

۲. تبیین و تحلیل مفهوم جهاد

پیرامون واژه «جهاد» در لغت، مطالب گوناگونی بیان شده است؛ برخی این واژه را مشتق از دو ریشه می‌دانند: یا «جَهَد» به معنای «مشقت» یا «جُهد» به معنای «طاقت» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳: ۱۳۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۰). برخی به نوعی، جمع میان معانی این دو ریشه نموده‌اند و معتقدند که «جهاد» به معنای «تلاش توأم با رنج» است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۷۷)؛ اما برخی دیگر معتقدند که «جهاد» از یک ریشه با معنای واحد «طاقت» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳: ۱۳۳) یا «به‌کارگرفتن نهایت طاقت و تلاش تا جایی که امکان دارد و وسع می‌رسد» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۱۲۸) شکل گرفته است. با وجود این، در منابع دیگر برای این واژه، معنایی چون: «نهایت کوشش در مقابله با دشمن» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۸)، «کارزار کردن با دشمنان در راه خدا»، «جنگیدن در راه حق»، «خواندن به سوی دین حق» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۵: ۶۹۵۶) نیز آمده است.

با توجه به معانی یادشده می‌توان گفت که «جهاد» در معنای عام خود بر «غایت تلاش و توان یک شخص یا یک مجموعه در بستر امکان» دلالت دارد. طبیعی است که رنج و سختی از ملزومات به‌کارگرفتن نهایت تلاش و توان در راه انجام کاری است.

«جهاد» در اصطلاح دینی عبارت است از: «هر نوع تلاش و مبارزه‌ای که با هر وسیله و سلاحی در برابر دشمن انجام می‌گیرد» (نویسندگان، جهاد و دفاع در اسلام، بی‌تا: ۱۷). این واژه در اصطلاح فقه چنین تعریف شده است: «جهاد عبارت است از بذل جان، مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپاداشتن شعائر دین» (نجفی، بی‌تا، ج ۲۱: ۳).

باید توجه داشت که جهاد به اعتبار «نوع دشمن»، «هجوم یا مقابله» و «ارزش و اهمیت»، گونه‌هایی دارد که به ترتیب به: «جهاد اکبر» یا «جهاد اصغر»، «جهاد ابتدایی» یا

«جهاد دفاعی» و «جهاد فرهنگی» یا «جهاد اقتصادی» یا «جهاد سیاسی» تقسیم می‌شود (آخوندی، بی تا: ۱۸)؛ میان دسته‌بندی‌های یادشده، تقسیم جهاد مبنی بر هجوم یا مقابله به جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی، تقسیمی کلان نسبت به باقی دسته‌بندی‌ها است؛ به گونه‌ای که تقسیم‌بندی‌های دیگر را پوشش می‌دهد؛ از این رو، کمی درنگ بر شرح معانی آن‌ها، نوشتار را در پیشبرد اهداف خود، یاری می‌رساند.

الف) جهاد ابتدایی: جهاد ابتدایی در اصطلاح «جهاد با کافران و مشرکان، بدون اینکه حمله‌ای از سوی آنان به مسلمانان شده باشد، برای دعوت آن‌ها به اسلام» است (نویسندگان، اصطلاحات نظامی در فقه اسلامی، بی تا: ۴۶)؛ فقهای امامیه و جوب این گونه جهاد را مشروط به اجازه امام عادل و بر حق (یکی از دوازده امام معصوم علیهم‌السلام) یا نائب امام که در این خصوص ولایت داشته باشد، دانسته‌اند (همان). ناگفته نماند که شرط یادشده برای جهاد ابتدایی، تنها در بُعد نظامی و سخت‌افزاری مطرح است. امروزه با توجه به اقتضانات عصری و فضای پیش رونده اندیشه و دانش بشری در حوزه‌های گوناگون که بر جوامع حاکم شده است، جهاد در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... از اولویت‌ها و از بهترین وسیله‌های دفاع از قلمرو مرزهای اسلامی به‌شمار می‌رود.

ب) جهاد دفاعی: برای واژه «دفاع» در لغت، معنایی چون: «دور کردن»، «دفع کردن از کسی»، «یاوری کردن»، «دفع شر»، «از دست دشمن (انسان یا حیوان) حفظ کردن»، «بازداشتن»، «پس‌زدن» آورده شده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۷: ۹۶۲۲ و ۹۶۲۳)؛ دقت و تأمل در معانی یادشده، نوعی مفهوم «بازدارندگی» و همراه با «دفع» و «پس‌زدن» را برای این واژه در ذهن تداعی می‌کند؛ یعنی، در دفاع از کسی یا چیزی، زمینه و لوازم به گونه‌ای فراهم گردد که در صورت رسیدن هر گونه حمله‌ای از سوی مهاجم تا پیش از نفوذ آن حمله به قلب دفاع، پس زده شود.

«دفاع» در تعریف عام خود در اصطلاح عبارت است از: «واکنش و عکس‌العملی که هر موجودی در مقابل هجوم یا تهدید و خطری که با آن روبه‌رو شده است، بروز می‌دهد تا خود را از آسیب محافظت نماید» (نویسندگان، جهاد و دفاع در اسلام، بی تا: ۱۷).

دفاع، مبتنی بر تعریف اصطلاحی خود، به دو قسم تقسیم می‌شود: ۱. دفاع شخصی؛

یعنی، دفاع در صورتی که خود شخص یا یکی از بستگانش یا مالش در معرض تهدید و هجوم قرار گیرد؛ ۲. دفاع جهادی؛ یعنی، دفاع در صورتی که کیان اسلام و نظام اسلامی یا امنیت جامعه یا سرزمین اسلامی یا گروهی از مسلمانان مورد تهدید و تهاجم قرار گیرد که در این وضعیت، بر همه مسلمانان است که با تمام توان و با بذل جان و مال خویش تجاوز دشمن را دفع نمایند؛ این نوع گونه از دفاع در فقه اسلامی، به‌عنوان گونه دوم جهاد - پس از جهاد ابتدایی - یعنی جهاد دفاعی مطرح است (همان: ۱۷، ۱۸).

ج) تعریف مختار: با توجه به مطالبی که پیرامون واژه جهاد بیان شد، می‌توان جهاد را در معنای عام آن چنین تعریف نمود: «جهاد در گفتمان اسلامی، کوشش پایدار و مقاوم در راه نشر و پیشرفت اسلام و جامعه اسلامی در نتیجه یک خودآگاهی و هدف‌داری معطوف به رشد است که گاه به‌صورت نشر اسلام و آموزه‌های آن میان ملت‌ها و برچیدن طاغوت و شرک، و گاه برای مقابله با تهاجم دشمن به قلمرو مرزهای اسلامی، در قالب سخت‌افزار یا نرم‌افزار نمود می‌یابد».

۳. فرایند فرهنگ قرآنی جهاد

پس از بررسی و تحلیل مفهوم «فرهنگ» و مراحل اصیل آن و نیز بررسی معنای «جهاد»، می‌توان شکل‌گیری فرایند فرهنگ جهاد را در نظام جامع آموزه‌های قرآن کریم، به‌صورت زیر بیان نمود؛ در اینجا وقتی گفته می‌شود نظام جامع آموزه‌های قرآن کریم، منظور نظام یکپارچه، منسجم و واحد آیات و آموزه‌های قرآنی است که هماهنگ باهم و در راستای یک هدف واحد سامان یافته‌اند.

۳-۱. مبانی نظری و فلسفه قرآنی جهاد

در این بخش از نوشتار پیش‌رو، در واقع مرحله نخست شکل‌گیری فرهنگ جهاد - که نگرش هستی‌شناسانه جهاد مبتنی بر آموزه‌های قرآنی است - بررسی و تحلیل می‌شود؛ به بیان دیگر، در این بخش، تبیین می‌شود که ارزش «جهاد» مبتنی بر چه بینش و نگرش قرآنی نسبت به مؤلفه‌هایی چون: خدا، انسان، جهان هستی و اصول و قواعد اجتماعی و روابط موجود میان آن‌ها شکل می‌گیرد.

نوع نگاه به مقوله‌های یادشده در موضوع جهاد، وجه تمایز بار ارزشی آن در مکاتب گوناگون است.

الف) مبانی خداشناسی: قرآن کریم، تنها یک خدا را به بشر معرفی می‌نماید که همه هستی از او است؛ هیچ همتایی برای او نیست (وجه اول توحید ذاتی) (طبرسی، ۱۳۷۷ ت، ج ۱: ۹۴؛ اسفراینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۷۵): «وَاللَّهُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...» (بقره: ۱۶۳)؛ خدایی که بسیط است و بی‌نیاز (وجه دوم توحید ذاتی) (کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۷: ۵۵۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۳۴۷): «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (اخلاص: ۱)؛ بگو: خداوند یکتا و یگانه است». او، خالق و منشأ تمامی موجودات عالم و آسمان‌ها و زمین است (توحید در مبدأ آفرینش): «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...» (سجده: ۴). همه چیز از او است و سرانجام آن‌ها نیز از آن او است (توحید در مقصد آفرینش): «... وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (مائده: ۱۸) منشأ و مقصد زندگی انسان نیز او است: «... إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶).

بنابراین تمامی هستی انسان از آن خداوند متعال است و انسان به خودی خود اصلتی ندارد. از این رو چنانچه او تمام فرصت‌های حیات خویش و بالاتر از همه چیز، جان خود را در مسیری قرار دهد که مقصد آن خداوند متعال و کسب رضایت او باشد، مطابق با نظام آفرینشی خود عمل نموده و کار اشتباه و بیهوده‌ای از او سر نزده است.

ب) مبانی جهان‌شناسی: خداوند متعال، جهان هستی را بی‌هدف و بیهوده نیافریده است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۲: ۱۸۰): «وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا...» (ص: ۲۷)؛ هدف از آفرینش منابع طبیعی و موجودات روی زمین و به‌طور کلی جهان هستی، رفع نیازهای بشر بوده است. هماهنگی میان طبیعت و نیازهای انسان، نشان‌دهنده این حقیقت است (میر معزی، ۱۳۸۸: ۷۸): «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...» (بقره: ۲۹). این دنیا با تمامی متعلقاتش از بین‌رفتنی بوده و تنها محلی برای آزمایش انسان است: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» (الرحمن: ۲۶)؛ «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَتَّبِلُوهُمْ لِيُبْلِغَهُمْ أَحْسَنَ عَمَلًا» (کهف: ۷).

در نگرش قرآنی، غیر از این دنیای زودگذر، جهان پایدار دیگری نیز وجود دارد که محل

رجوع انسان پس از مرگ است: «یا قَوْمِ إِنَّمَا هِذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر: ۳۹). موضوع «معاد» از اصول و ضروریات دین است که باور به آن، ایمان به برانگیختن روحی و جسمی انسان در جهان آخرت، برای حسابرسی اعمال دنیا است (مقدس اردبیلی، ۱۳۸۷: ۱۷۹)؛ «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ» (انبیاء: ۴۷).

با توجه به آنچه گذشت، در نگرش هستی‌شناسانه قرآنی، در تقابل دنیا و آخرت، جهان آخرت اصالت دارد و دنیا و متعلقات آن، محل گذر و بستر آزمایش انسان برای زیست صحیح مبتنی بر فلسفه آفرینش او است؛ ارزش جهاد نیز در بی‌توجهی به مشکلات و آسودگی‌های این دنیا است؛ یعنی، حرکت در مسیر هدف معطوف به رشد و کامل‌شدگی انسانی، بدون اینکه مشکلات و موانع احتمالی پیش رو در نظر گرفته شود یا اینکه راحت‌طلبی‌های دنیا او را از مسیر اصلی خود منحرف سازد.

ج) مبانی انسان‌شناسی: این دست از مبانی را می‌توان در قالب چند عنوان ارائه کرد:

۱. دوبعدی بودن انسان: به این معنا که انسان موجودی برخوردار از دو ساحت وجودی جسم و روح است: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» (مؤمنون: ۱۲) و «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص: ۷۲).

در نگرش قرآن کریم، حقیقت و واقعیت انسان، همان روح او است؛ روحی که با بدن مادی همراه است و هنگام مرگ از بدن گرفته می‌شود: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا...» (زمر: ۴۲).

واژه «توفی» در این آیات، به معنای «اخذ» و «گرفتن» است؛ بی‌شک فرشته مرگ، هنگام مرگ، روح آدمی را می‌ستاند؛ زیرا بدن آدمی باقی است. از این بیان می‌توان دریافت که حقیقت انسان، همان است که فرشته مرگ می‌گیرد و آدمی، واقعیتی جز آن ندارد؛ اگر روح، نیمی از انسانیت و شخصیت انسان را تشکیل می‌داد، می‌بایست، قرآن به جای «یتوفاکم»، می‌فرمود: «یتوفی بعضکم»؛ از این رو حقیقت انسان، جز آنچه فرشته مرگ می‌گیرد، نیست، و پس از اخذ روح، چیزی از حقیقت انسان در زمین باقی نمی‌ماند (سبحانی و محمد رضایی، ۱۳۸۷: ۲۸ و ۲۹).

از سویی، قلمرو جسم آدمی، محدود است و در زمان زیست دنیوی آن خلاصه می‌شود؛ اما حقیقت آدمی روح او است که چون از خداست، همیشه باقی است.

۲. کرامت انسان: در بینش قرآنی، انسان، برترین آفریدگان خداوند متعال است که از آن به کرامت انسان یاد می‌کنند: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُيُوتِ وَابْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰).

این برتری و کرامت در دو سطح قابل بررسی است: نخست: کرامت تکوینی: به این معنا که آدمی در مقایسه با دیگر موجودات، از ویژگی‌های ممتازی، مانند عقل، کمال‌گرایی، حقیقت‌جویی، اختیار و... برخوردار است که بُعد ادراکی و گرایش‌های فطری او را شکل می‌دهند؛ دوم: کرامت تشریحی: که در پرتو توجه و روی آوردن او به تعالیم وحیانی و عمل نمودن به آن‌ها، تحقق می‌یابد.

۳. هدف‌دار بودن آفرینش انسان: از آنجایی که نظام آفرینش، نظامی هدف‌دار بوده و هدف از آفرینش آن، انسان است، باید دید که هدف از آفرینش خود انسان چه بوده است. قرآن کریم در این پیوند، از اهدافی چون: «آزمایش انسان برای مشخص نمودن نیکوکاران» (ملک: ۲)، «رحمت الهی» (هود: ۱۱۸ و ۱۱۹)، «پرستش خداوند متعال» (ذاریات: ۵۶)، به‌عنوان اهداف وسط و نه هدف نهایی آفرینش انسان یاد نموده است؛ زیرا این اهداف، خود نمی‌توانند هدف غایی برای آفرینش انسان باشند و خود آن‌ها هدف دیگری را دنبال می‌کنند. با بررسی آیاتی که مبدأ و مقصد آفرینش انسان را خداوند متعال معرفی می‌نمایند (بقره: ۱۵۶) و آیاتی که از ملاقات انسان با پروردگار خویش سخن به میان می‌آورند (کهف: ۱۱۰؛ یونس: ۴۵؛ رعد: ۲؛ عنکبوت: ۵؛ توبه: ۷۷)؛ همچنین آیاتی که به‌گونه‌ای غیرصریح، جان‌نشین بودن انسان را برای خدا، هدف از آفرینش او معرفی می‌نمایند (بقره: ۳۰)، می‌توان دریافت که هدف نهایی از آفرینش انسان، «قرب الهی» است.

افزون بر آیات یادشده، از منظر عقل، انسان به‌طور فطری خواهان کمال نامحدود است که علم و قدرت، از مصادیق آن به‌شمار می‌روند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ ب: ۵۳ و ۵۴). رسیدن به چنین کمالی، موجب لذت نامحدود و سعادت پایدار انسان می‌شود. چنین کمالی، هنگامی برای انسان دست‌یافتنی خواهد بود که با منبع نامحدود علم و قدرت و

کمال مطلق، یعنی، خداوند متعال، ارتباط پیدا کند و همین ارتباط است که «قرب» نامیده می‌شود؛ بنابراین کمال حقیقی انسان که هدف آفرینش او است، در سایه ارتباط و قرب به خدای متعال حاصل می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۹ آ: ۴۶۱).

۴. غایت رشد و کمال انسان: باید توجه داشت که انسان خواهان رشد و پیشرفت است؛ طبیعی است که برای رشد او مقصد و غایتی وجود دارد؛ از منظر قرآن کریم، هدف از رشد و کامل‌شدگی انسان، همان هدف «حیات» و «فلسفه آفرینش انسان» است؛ به بیان دیگر، هدف رشد انسان، بر هدف آفرینش انسان منطبق است؛ در واقع، این از ویژگی‌های قرآن کریم است که هدف تربیت و رشد انسان را عبارت از همان هدفی می‌داند که انسان برای آن آفریده شده است. قرآن کریم می‌کوشد تا انسان را در آن جهت‌ی رشد دهد که برای آن آفریده شده است.

بنابر آنچه گذشت، اصالت انسان به بُعد روحی اوست که آن هم پس از زندگی محدود در دنیای مادی، در نهایت به اصل خود که خداوند متعال است برمی‌گردد و ارزش جهاد، منطبق با این نوع بینش و زاینده آن است؛ زیرا توجه انسان در جهاد، معطوف به رشد و کمال بُعد روحی است. از سوی دیگر، کرامت انسان ایجاب می‌کند که انسان در تمامی حالات به عزت و کرامت هم‌نوعان خود احترام گذاشته و در صورتی که عزت و کرامت او از جانب دیگری مورد تعرض قرار بگیرد، از خود دفاع نماید. از زاویه‌ای دیگر، رشد و کمال انسان منطبق بر فلسفه آفرینش او، یعنی، تقرب الهی است؛ این تقرب معطوف به بُعد روحی او بوده و از جمله ارزش‌هایی که او را به این تقرب می‌رساند، ارزش جهاد است.

د) مبانی جامعه‌شناختی: انسان، موجودی اجتماعی است؛ از این رو به زندگی اجتماعی نیاز دارد. از آن‌جاکه نیاز به بهتر بودن و به‌طور کلی رشد و پیشرفت، از ویژگی‌های درونی انسانی است، طبیعی است که هرج‌ومرج و تضاحم حقوقی در محیط‌های جمعی برای تصاحب بیشتر یا بهتر بودن از دیگران، همواره وجود داشته است. بشر در طول تاریخ حیات خویش، بسته به ظرفیت‌های وجودی خود یا بهره‌گرفتن از آموزه‌های الهی، قوانینی را برای پیش‌گیری از این بحران وضع می‌کرد. قرآن کریم نیز در آموزه‌های خود، اصول و قواعدی کلی برای تنظیم روابط اجتماع انسانی و رشد و پیشرفت آن، مدنظر قرار داده است که از جمله آن‌ها می‌توان به مواردی چند، به شرح زیر اشاره نمود:

۱. برقراری عدالت: یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که باید در بدنه یک نظام اجتماعی وجود داشته باشد، عدالت است. یکی از عوامل رشد و شکوفایی جامعه، برپایی «قسط» و عدالت و پرهیز از «فَسْط» و جور است. دستور اسلام به مسلمانان این است که در همه ابعاد زندگی، عدالت را پاس داشته و در گسترش آن بکوشند. ظلم و خیانت پدیده‌هایی هستند که به‌طور مطلق در بینش قرآنی ناپسندند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ... (نساء: ۵۸)؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید...»

از منظر قرآن کریم، ظلم و تعدی به حقوق هر صاحب حقی، حتی به حیوانات، به‌هیچ‌وجه مجاز نیست؛ از این‌رو، دشمنی و کینه‌ورزی و بی‌دینی نمی‌تواند توجیه‌گر ظلم و برابری باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ۳۶۸-۳۶۶):

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ... (مائدة: ۸).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت (پیشه) کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است... .

۲. ظلم‌ستیزی: این مقوله در دو بُعد فاعلیت و مفعولیت در رفتار جامعه انسانی نمود یافته و از مصادیق عدالت در نظام اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ به بیان دیگر، خودداری از ستم و سر باز زدن از ستم کردن، دو بُعد اصیل ظلم‌ستیزی را شکل می‌دهند: «... إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (قصص: ۳۷)؛ خداوند در آیه‌ای دیگر از قرآن در این باره می‌گوید:

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (شعراء: ۲۲۷).

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می‌دهند و خدا را بسیار یاد می‌کنند و به هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند به دفاع از خویشان [و مؤمنان] برمی‌خیزند [و از شعر در این راه کمک می‌گیرند] آن‌ها که ستم کردند به زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست.

برای آن‌چه گذشت، در آموزه‌های قرآنی، ظلم به خودی خود و به صورت مطلق مطرود است؛ چه اینکه اقدام به ظلم علیه دیگری شود یا کسی که ستمی بر او می‌شود، آن را بپذیرد و مقاومتی از خود در مقابل آن نشان ندهد.

لازمه رشد و پیشرفت یک جامعه انسانی، عدالت‌گستری در آن است؛ هنگامی که در یک نظام اجتماعی، همه اجزا سر جای خود قرار گرفته باشند، به طوری که توازن و تناسب میان آن‌ها برقرار باشد، همچنین وقتی که در حق کسی ظلم نشود و حقوق افراد در آن جامعه مراعات گردد، می‌توان گفت که چنین جامعه‌ای از لحاظ اجتماعی، یکی از شاخص‌های رشد را دارا است؛ اما چنانچه خلاف این موارد روی دهد، وظیفه انسانی و الهی هر شخصی ایجاب می‌کند که مقابل آن‌ها واکنش نشان دهد و این نوع نگاه، نقش و جایگاه ارزش جهاد را در چنین وضعیتی به خوبی روشن می‌سازد.

۳-۲. جهاد، مولود باورهای قرآنی

آنچه در بخش گذشته بیان شد، نگرش نظام‌مند و هستی‌شناسانه قرآنی به مؤلفه‌هایی چون خدا، انسان، جهان هستی و جامعه بود. در دومین مرحله از فرایند شکل‌گیری یک فرهنگ در جامعه، مبتنی بر بینشی که در مرحله نخست به دست آمد، ارزش‌ها، هنجارها و شاخص‌هایی برای انسان در گستره حیات دنیایی و آخرتی او شکل می‌گیرد که او را در مسیر رشد و کامل‌شدگی انسانی قرار می‌دهد؛ از جمله این ارزش‌ها، ارزش جهاد است که قرآن حکیم در موارد گوناگون و در قالب‌های مختلف، آن را به بشر معرفی نموده است:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (بقره: ۲۱۸)؛ کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آن‌ها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است»؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَعُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مائده: ۳۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید و وسیله‌ای برای نزدیک شدن به او بجویید و در راه او جهاد کنید؛ باشد که رستگار شوید!». جهاد در راه خدا، ارزشی است که مبتنی بر بینشی که در مرحله نخست فرهنگ‌سازی ارائه شد، شکل می‌گیرد؛ به بیان

دیگر، مبتنی بر آن نوع نگاه است که جهاد در جامعه مسلمانان به عنوان یک ارزش تلقی می‌شود.

«وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (بقره: ۱۹۰)؛ و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد. برخی از مفسران در تفسیر فراز نخست این آیه گفته‌اند: سَبِيلِ اللَّهِ راهی است که مردم را از شرک و بندگی غیر خدا برهاند و به توحید عقیده و کمال و قرب خدا رساند؛ اجرای احکام ارائه شده و نظامات الهی نیز همان «سَبِيلِ اللَّهِ» است؛ حکم «قاتلوا»، در ظرف محدود «سَبِيلِ اللَّهِ»، مسیر جهاد را می‌نماید، در حدی که راه خدا برای خلق خدا باز شود و قشرها و صخره‌های طبقات راهزن و مانع از میان بروند؛ «الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ»، همان طبقات مانع را می‌نمایند؛ فعل مضارع، دلالت بر حال و استقبال دارد؛ یعنی، آن‌ها که اکنون با شما می‌جنگند و بعد از این با شما سر جنگ دارند (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۸۱).

آنچه از مسلمات تاریخی به‌شمار می‌رود، تنوع، تعدد و تکثر هجوم‌ها و جنگ‌هایی است که حکومت‌های مستبد برای استعمار و استثمار ملت‌ها در راستای دستیابی به اهداف استبدادی و سلطه‌جویانه خود از آن بهره می‌برده است؛ گاه به صورت مستقیم و از طریق سخت‌افزار و جنگ نظامی در مسیر مقاصد خویش گام برداشته‌اند و گاه در بستر نرم‌افزار و تسخیر فرهنگ و شیوه تفکر و زیست ملت‌ها اهداف خود را دنبال می‌کنند.

از این رو آنچه برای یک جامعه اسلامی و هر جامعه آزادی‌خواه و استقلال‌طلب ضروری به نظر می‌رسد، آمادگی مردم جامعه برای مقابله با هر تهاجمی - چه سخت‌افزار و چه نرم‌افزار - و در گامی روبه جلو، جهاد در گستره‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. در واقع جهاد در حوزه‌های گوناگون یک نظام اجتماعی برای رسیدن به رشد و پیشرفت مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، خروجی جامعه را فعال، پویا و پیش‌رونده به سوی وضعیت مطلوب در حوزه‌های یادشده قرار می‌دهد.

قرآن کریم، در آموزه‌های خود و در راستای فرایند شکل‌دهی فرهنگ ارزش جهاد در جامعه، با محرک‌های انگیزشی چندی، به گونه‌ای تحقق این آمادگی را میان مسلمانان در هر

برهه‌ای دنبال می‌کند. ادامه مطالب، گذاری اجمالی بر چند نمونه از این انگیزش‌هاست.

۳-۳. نمودیافتگی ارزش جهاد در نظام رفتاری جامعه

مشاهده شد که جهاد، یکی از ارزش‌های قرآنی برای رشد و پیشرفت جامعه در عرصه‌های گوناگون یک نظام اجتماعی است که مبتنی بر نگرش هستی‌شناسانه ویژه خود و درونزای قرآنی معنا یافته است.

آنچه در این میان مهم و ضروری به نظر می‌رسد، نمودیافتگی این ارزش در نظام رفتاری یک جامعه است تا به مرور زمان و نهادینه‌شدن این ارزش در رفتار آن جامعه، فرایند شکل‌گیری فرهنگ آن کامل شود. تحقق این مهم با یک خلأ نظری روبه‌روست و آن فاصله‌ای است که میان عینیت‌یافتن یک نظر در حوزه اقدام وجود دارد؛ به تعبیر دیگر، برای اینکه ارزش جهاد، از فاز نظری و ارزشی در جامعه به مرحله اقدام برسد و اهمیت و ضرورت اهتمام به آن، نزد مردم جامعه در مواقع لازم پذیرفته شود تا در نهایت در رفتار آن‌ها نمود پیدا کند، چه باید کرد؟

قرآن کریم در کنار مطرح نمودن این ارزش، با شیوه‌ای خاص از ارزش‌ها و مؤلفه‌های دیگری نام می‌برد که توجه و روآوردن به آن‌ها، این خلأ نظری را پر می‌کند. در واقع این ارزش‌ها، مجموعه‌ای از انگیزش‌های ارزشی و عقیده‌ای هستند که بستر لازم را برای نمودیافتن جهاد در نظام رفتاری جامعه، فراهم می‌آورد. در ادامه، مواردی چند از این ارزش‌های انگیزشی بررسی و تبیین خواهد شد:

الف) عزت نفس: یکی از مؤلفه‌های انگیزشی لازم برای نمود جهاد در رفتار مردم جامعه، عزت نفس است؛ قرآن کریم، عزت را در مرحله نخست، مخصوص خداوند متعال، سپس پیامبرش و در مرتبه پایین‌تر از آن، مردم با ایمان می‌داند: «... وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون: ۸). برخی برای «عزت»، معنایی را چون «اجتناب از ذلت و خواری» و «روح بی‌نیازی» مطرح نموده‌اند (موسوی لاری، ۱۳۸۶: ۳۰۰-۲۹۲).

همان‌طور که در برخی از روایات آمده است، یکی از مصداق‌های تن دادن به ذلت و خواری، درخواست از مردم و عزت یک فرد باایمان در بی‌نیازی او از دیگران است: «قَالَ

التَّيْبِي *: عَزَّ الْمُؤْمِنِ اسْتِعْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ» (ابن ابی فراس، بی تا، ج ۱: ۱۶۹). از این رو هرچه انسان به خود متکی بوده و روحیه بی نیازی از دیگران را در درون خویش پروراند، در واقع از ذلت و خواری دوری کرده و عزت نفس یافته است؛ چنین شخصی با چنین خصوصیتی، نه تنها خود را بی نیاز از مردم می داند، بلکه به واسطه عظمت نفسی که بدین وسیله کسب نموده است، تمایل و توانایی دست گیری و خدمت به دیگران نیز در وجود او ریشه می دواند؛ در واقع این گونه از عزت نفس، محرکی خوب برای جهاد ابتدایی در عرصه های گوناگون یک نظام اجتماعی به شمار می رود.

از مصادیق دیگر اجتناب از ذلت و خواری، کوتاه آمدن در برابر هجمه دشمن و زیر سلطه آن ها قرار گرفتن است. انسان های دارای عزت و کرامت نفس، هرگز تن به ذلت نداده و زیر بار ظلم بیگانه نخواهند رفت؛ هر چند هزینه این برائت و دوری، جان آن ها باشد. این گونه عزت نفس در راستای گونه پیشین، محرک خوبی برای جهاد دفاعی در حوزه های گوناگون جامعه به شمار می رود. در واقع انسان با چنین خصوصیتی، به یک خودآگاهی معطوف به رشد رهنمون شده است که طی آن، قرار گرفتن خویش را در چنین وضعیتی، گامی به سوی ایدئال خود می داند.

ب) ایثار و شهادت: «ایثار»، ادب گذر از خویش برای غیر خود و ایجاد فرصتی برای رشد خود و دیگران در طول رضای الهی، در نتیجه یک خودآگاهی و هدف داری معطوف به رشد است.

«شهادت» نیز از مصادیق و بالاترین مراتب ایثار است که طی آن، آدمی برای ایجاد فرصت رشد برای خود و دیگران و در طول رضای الهی، از جان خویش می گذرد؛ این، همان گفتمان معناداری زندگی و مرگ و پیوند این دو با یکدیگر است.

تأکید آموزه های قرآن حکیم بر ایجاد و تقویت روحیه ایثار و فداکاری، حاکی از اهمیت و ضرورت آن برای رشد و پیشرفت انسان و جامعه انسانی است: «... وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يوقِ شَحِّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (حشر: ۹)؛ ... و آن ها را بر خود مقدم می دارند، هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند. کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند، رستگاران اند.»

این آیه، حکایت ایثار و فداکاری انصار را نسبت به مهاجرین از مکه بیان می‌نماید که طی آن انصار از مال و منازلشان می‌گذرند و با اینکه برخی از آن‌ها خود نیازمندند، مهاجرین را در اموالشان شریک می‌کنند. آن‌ها حتی نسبت به مهاجرین، در قبال اموالی که از «بنی النضیر» به آن‌ها دادند، هیچ‌گونه حسد و حقد و کینه‌ای در دل خود راه نمی‌دهند (طبرسی، ۱۳۷۲ م، ج ۲: ۳۹۳). این بیان‌گر اوج سلامت نفس و ایثار آن‌ها نسبت به مهاجران است. از این رو قرآن کریم، این عمل آن‌ها را مایه رشد و رستگاری دانسته و به‌عنوان یک ارزش به تمامی مخاطبان خود عرضه می‌نماید.

قرآن کریم در آموزه‌های خویش، به مراتب بالای ایثار نیز اشاره می‌کند و آن شهادت، یعنی، جهاد در راه خدا و در پی آن کشته شدن در این راه است. قرآن کریم برای نهادینه‌ساختن این ارزش در جامعه، ابتدا باور زنده‌بودن شهید را به مردم القاء نموده و در همین راستا، آن را به‌عنوان یک ارزش تأثیرگذار نیز معرفی کند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل‌عمران: ۱۶۹)؛ در فرازی دیگر، آمرزش و رحمت الهی، پاداش ایثار و شهادت معرفی شده است: «وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٍ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٍ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (آل‌عمران: ۱۵۷).

پیش‌تر بیان شد که یکی از اهداف وسط‌آفرینش انسان، رحمت الهی است که خود این هدف، مقدمه‌ای برای تقرب به خداوند متعال به‌شمار می‌رود.

در واقع لازمه شهادت، جهاد در راه خداست و پیوند میان این دو ارزش، پیوندی ناگسستگی است:

... فَالَّذِينَ هَارَبُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أُودُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأَدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ (آل‌عمران: ۱۹۵).

... آن‌ها که در راه خدا هجرت کردند و از خانه‌های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند و جنگ کردند و کشته شدند، به یقین گناهانشان را می‌بخشم و آن‌ها را در باغ‌های بهشتی که از زیر درختانش نهرها جاری است، وارد می‌کنم؛ این پاداشی است از سوی خداوند و بهترین پاداش‌ها نزد پروردگار است.

ج) وعده‌های الهی: یکی دیگر از عوامل انگیزشی که انسان را در مسیر جهاد قرار می‌دهد، وعده‌هایی است که از جانب خداوند متعال برای جهادکنندگان در راهش برشمرده می‌شود. از جمله این وعده‌ها می‌توان به دو مورد اشاره نمود:

۱. پاداش الهی: قرآن کریم در موارد گوناگونی، پاداش جهاد در راه خداوند متعال را یادآور شده است که از جمله آن‌ها، بهشت و آمرزش و رحمت الهی است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۲۱۸)؛ «... فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أُودُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ» (آل عمران: ۱۹۵).

۲. امداد الهی: از دیگر محرک‌های انگیزشی جهاد، خودآگاهی نسبت به یاری خداوند متعال در جهاد است. این مورد، به ویژه زمانی مؤثر خواهد بود که جهادگر در محاسبات عقلی، خود را ضعیف‌تر از طرف مقابل دریابد. قرآن کریم، با معطوف‌نمودن توجه ملت مسلمان به یاری خداوند، امید و انگیزه لازم را در چنین مواقعی، با معرفی یاری خداوند، به‌عنوان یک امتیاز ویژه برای مسلمانان، به وجود می‌آورد: «أَذِّنْ لِلَّذِينَ يِقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَتَّبِعْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر [آیین] خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد»؛ در این آیه، منظور از یاری کردن خداوند متعال، یاری کردن آیین او است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱: ۴۲۵). یاری کردن آیین خداوند متعال، گاه در راه نشر آن صورت می‌گیرد و گاه در مسیر دفاع از آن.

بنابراین جهاد در راه خدا و مبتنی بر داورزی و اصلاح‌گر است و نه بر مبنای طغیان‌گری؛ همچنین جهاد در راه خدا برای مقابله با ظلم و نادرستی، خود از مصادیق ایثار و عزت نفس است؛ این گونه جهاد، رحمت و آمرزش الهی را در پی دارد که پلی است به سوی رشد و تعالی آدمی که همان تقرب الهی است. مسیری که با پشتیبانی وعده‌های الهی، رشد و پیشرفت جامعه انسانی را هم از بُعد مادی و هم از بُعد معنوی فراهم می‌سازد.

مؤلفه‌هایی چون: «عزت نفس»، «ایثار و شهادت» و «وعده‌های الهی»، از مهم‌ترین

عواملی هستند که قرآن کریم در کنار دیگر عوامل ارزشی، از آن‌ها به‌عنوان اسباب انگیزشی، برای شکل‌گیری ارزش جهاد در رفتار مردم جامعه، به‌کار می‌گیرد. طبیعی است وقتی این‌گونه ارزش‌ها به شکل‌های گوناگون و در مراحل فرایند شکل‌گیری فرهنگ هر یک از آن‌ها به‌درستی در جامعه نهادینه شوند، خودبه‌خود و به‌طور غیرمستقیم در یک بازه زمانی، از سوی مردم پذیرفته می‌شوند و پس از مدتی فرهنگ آن جامعه با نمود مشخص جهاد، در رفتار مردم آن شکل می‌گیرد.

نتیجه

در پایان می‌توان نتایج تحقیق را در قالب محورهایی چند ارائه نمود:

الف) فرهنگ، نظام وحدت یافته بینش‌ها، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای بشری ناظر به حقوق بنیادی انسان است که به‌عنوان مبنا و شیوه الگوی زیست مطلوب انسانی پذیرفته شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که به صورت ناخودآگاه و غیرارادی، در همه عرصه‌های زندگی او جریان یافته‌اند و نتیجه آن هویت‌یافتگی انسان است که نمود آن را در مجموعه اقدامات او که در طول تاریخ، در قالب یک نظام ذخیره دانش، به‌گونه‌ای نهادمند تحقق و سامان یافته‌اند، می‌توان مشاهده کرد؛

ب) فرایند مهندسی فرهنگ، فرایندی نظام‌مند و متشکل از سه مرحله اصیل بینش، ارزش و اقدام است که می‌تواند ابعاد گوناگون یک نظام اجتماعی را شکل دهد؛

ج) قرآن کریم، به‌عنوان آخرین، جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب آسمانی، داعیه‌دار رشد انسان و در واقع، عرضه‌کننده فرهنگ آن به جامعه بشری است. در همین راستا برای نهادینه‌ساختن این فرهنگ، به مراحل آن نیز توجه نموده است. براین اساس ابتدا با ارائه یک جهان‌بینی خاص، باورهای مردم را در برابر خدا، انسان، جهان هستی و ... شکل می‌دهد و در ادامه بر پایه این باورها، ارزش‌ها و هنجارهایی را برای سامان‌دهی اجتماعی انسان معین می‌سازد. نظام به‌هم‌پیوسته آموزه‌های قرآنی، هر یک، محرکی برای شکل‌گیری آموزه‌های دیگر، در رفتار آدمی به شمار می‌روند؛

د) جهاد در گفتمان اسلامی، کوشش پایدار و مقاوم در راه نشر و پیشرفت اسلام و

جامعه اسلامی و در نتیجه یک خودآگاهی و هدف‌داری معطوف به رشد است که گاه به صورت نشر اسلام و آموزه‌های آن میان ملت‌ها و برچیدن طاغوت و گاه برای مقابله با تهاجم دشمن به قلمرو مرزهای اسلامی، در قالب سخت افزار یا نرم افزار نمود می‌یابد؛

ه) قرآن کریم در راستای فرایند شکل‌گیری فرهنگ جهاد در جامعه، در آغاز با ارائه بینش خاص و مبانی نظری و فلسفه قرآنی این ارزش، از جمله: مرجع بودن خداوند متعال برای نظام هستی، اصالت انسان و بُعد روحانی او، اصالت جهان آخرت، اصالت برقراری عدالت و ظلم‌ستیزی در نظام اجتماعی، مقدمات زایش آن را از دل این باورها فراهم می‌نماید. براین اساس، به طرح نظری این ارزش در آموزه‌های خویش روی می‌آورد و آن را ابزاری برای رشد انسان و جامعه معرفی می‌نماید.

قرآن کریم در اقدامی انگیزشی، با طرح محرک‌ارزش‌ها و مؤلفه‌هایی چون: «عزت نفس»، «ایثار و شهادت» و «توجه به وعده‌های الهی» در آموزه‌های خویش، می‌کوشد تا این ارزش را در قلب و در پی آن در نظام رفتاری مردم جامعه نهادینه سازد؛

و) توجه و تحقیق پیرامون هریک از این مراحل و سیاست‌گذاری برای تحقق آن‌ها در جامعه، مقدمات رشد و پیشرفت آن جامعه را فراهم می‌سازد.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن ابی فراس، ورام (بی‌تا). مجموعه ورام (تنبيه الخواطر و نزهه النواظر)، چاپ اول، قم، مکتبه فقیه، ج ۱.

ابن طاهر اسفرائینی، ابوالمظفر شاهفور (۱۳۷۵). تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، (نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی)، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱.
ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دارصادر، ج ۳.
احمدی، محمد مهدی (۱۳۸۸). تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، قم، مؤسسه بوستان کتاب.

آخوندی، مصطفی (بی‌تا). نظام دفاعی اسلام، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
آشوری، داریوش (۱۳۸۱). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه.
آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۱۲.
بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشلی، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۵.
توسلی، غلام‌عباس (۱۳۸۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات سمت.
جمعی از نویسندگان (بی‌تا). اصطلاحات نظامی در فقه اسلامی، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

جمعی از نویسندگان (بی‌تا). جهاد و دفاع در اسلام، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تفسیر موضوعی قرآن کریم (جامعه در قرآن)، چاپ دوم، قم، مرکز نشر اسراء، ج ۱۷.

حسینی پور سی سخت، نیک‌نام (۱۳۹۰). فرهنگ، فعالیت فرهنگی و صنایع فرهنگی، چاپ اول، تهران، زیتون سبز.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا، چاپ اول (از دوره جدید)، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۵ و ۷.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، چاپ دوم (از دوره جدید)، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱۱.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، چاپ اول، بیروت، الدارالشامیه.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۰). آناتومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ریکارت سوتو، لوئیس (۱۳۶۸). «تفکر دربارهٔ تحولات و آیندهٔ آموزش و پرورش»، نامهٔ فرهنگ، ترجمهٔ محمد علی امیری، تهران، انتشارات مدرسه، شمارهٔ ۱۴ و ۱۵.
- سبحانی، جعفر و محمد محمد رضایی (۱۳۸۷). اندیشهٔ اسلامی (۱)، چاپ ۴۲، قم، دفتر نشر معارف.
- سعادت، عوض علی (۱۳۸۹). نقش اسلام در توسعهٔ فرهنگی، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- سلیمی، حسین (۱۳۷۹). فرهنگ گرای، جهانی شدن و حقوق بشر، تهران، انتشارات وزارت خارجه.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۶). جهانی سازی در عرصهٔ فرهنگ و سیاست، چاپ اول، قم، زمزم هدایت.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۲.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ج ۹.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزهٔ علمیهٔ قم.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، چاپ سوم، تهران، کتاب فروشی مرتضوی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲.
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۴۲۳ق). زبده التفسیر، تحقیق: بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول، قم، بنیاد معارف اسلامی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۹). آموزش عقاید، چاپ سوم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۳۸۴). به سوی او (مشکات)، تحقیق: محمد مهدی نادری قمی، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین، اهتمام عزیزالله علی زاده و محمود نامنی، چاپ دوم، تهران، انتشارات نامن.
- مقدس اردبیلی (۱۳۸۷). اصول دین، تحقیق: محسن صادقی، چاپ چهارم، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۱.
- موحد، موحد ضیاء (۱۳۷۸). منتقدان فرهنگ، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نو.
- موسوی لاری، سید مجتبی (۱۳۸۶). رسالت اخلاق در تکامل انسان، چاپ پنجم، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۸). نظام اقتصادی اسلام، (دفتر اول: مبانی فلسفی)، چاپ دوم، تهران، کانون اندیشه جوان.
- نجفی، محمدحسن بن باقر (بی‌تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تحقیق: شیخ عباس قوچانی، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- نظریور، محمدنقی (۱۳۷۸). ارزش‌ها توسعه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نفیسی، علی اکبر (۱۳۵۵)، فرهنگ نفیسی، تهران، خیام.
- نولان، پاتریک و دیگران (۱۳۸۰). جامعه‌های انسانی، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.